

بررسی جایگاه و نقش تربیتی شورا از صدر اسلام تا پایان دوره اموی

عباسعلی ارونقی^۱

اردشیر اسد بیگی^۲

محمد باغستانی کوزه گر^۳

چکیده

شورا در اسلام سابقه ای دیرین دارد، مشورت منطبق با قرآن و سیره پیامبر(ص) در شکوفایی تربیتی و اخلاقی مسلمانان نقش مهمی داشته، نوع نگرش به شورا و کارکرد آن اسباب رشد و بالندگی جامعه و در برهه هایی موجب اختلاف و انحراف بوده است، قرآن بر شورا امر کرده و با شرایطی آن را یک اصل بر می شمارد. این مقاله افزون بر بیان جایگاه شورا و اصول حاکم بر مشورت، به توصیف نقش تربیتی و اجتماعی آن بر اساس عملکرد شورایی پیامبر (ص) و ائمه می پردازد و با تکیه بر اسناد و روایت ها به تحولات شورا در دوره خلفا پرداخته تا آثار این تحول و انحراف از اصول ترسیم شده اسلام، در اقدامات اخلاقی و تربیتی حاکمان اموی را آشکار سازد.

واژگان کلیدی

امر مردمی، اخلاق، تربیت، شورا

۱- دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد abbas.aronaghi2017@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد jafar.asadbeigi@gmail.com

۳- استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی شعبه خراسان رضوی

mobaghestani@yahoo.com

طرح مسأله

شورا، جمعی فکر کردن و تصمیم‌گیری گروهی در زندگی انسان از چنان اهمیت و ارزشی برخوردار بوده که کمتر کسی از جایگاه و نقش تربیتی آن غافل است. نیازهای انسان دارای تنوع و گستردگی فراوان و مسیر تأمین آن نیز دارای پیچیدگی می‌باشد. مشورت و بهره‌بردن از رأی و نظر دیگران می‌تواند رفتار افراد جامعه را در جهت مطلوب تغییر داده و آن را عقلانی کند. بهره‌بردن از آراء خیرخواهان نکته‌ای عقلی و عدم مشورت خلاف اصول تربیتی و اخلاقی است؛ زیرا افراد جامعه و حاکمان هر قدر در زمینه‌ی کاری خود متخصص باشند قادر به درک همه ابعاد امور نمی‌باشند. بهره‌بردن از نظر مشورتی دیگران، جلوگیری از انحراف و شناسایی خطاها، دست‌یابی به راه مناسب و پیش‌گیری از پشیمانی آثار تربیتی مشورت خواهند بود. بدیهی است که مشورت دارای اصول و ضوابطی بوده و مشاورین نیز باید دارای شرایط مناسب مشورت باشند، اسلام و معصومین دلایل تربیتی شورا و مشورت را ترسیم کرده‌اند.

اسلام به اصل مشورت توجه داشته، شورا و همفکری با هم‌نوعان را راه حل مشکلات قرار داده است. پیامبر (ص) به امر خداوند در مسایل مردمی تشکیل شورا داده و برای آن ارزش بالایی قایل بود در امور مردمی همانند چگونگی اجرای دستورات الهی، شگردهای جنگی، عقد پیمان‌ها، نوع غذا، ازدواج و امور مردمی مشورت می‌کرد تا با ایجاد راه کار عقلانی حل مشکلات، مسلمانان را برای آینده تربیت نماید.

رسول خدا(ص) مطابق تربیت اسلامی و آموزه‌های قرآنی اجازه مشورت در امور الهی و نص احکام نمی‌داد و مسلمانان صدر اسلام نیز چنان پرورش یافته بودند که هرگاه می‌خواستند در امری نظر مشورتی خود را ارائه نمایند پیش از اقدام از پیامبر(ص) راجع به الهی یا مردمی بودن مسئله، سوال می‌کردند پس از رحلت رسول خدا(ص) مسلمانان در مسیر شورا دچار انحراف شدند و به حدی که امر انتخاب خلیفه را بر خلاف آموزه‌های پیامبر (ص) شورایی کردند.

امر شورا در دوره امویان تحولات وسیعی یافت به طوری که مشاوران درباری و مواجب‌بگیر جای مشورت مردمی و علماء را گرفتند و این مشاوران در صدد جلب رضایت خلفا بودند. هر نوع انحراف اخلاقی و دینی آنان را در قالب شورا توجیه می‌کردند.

مسأله اصلی این است جایگاه شورا، موضوعات و مسایل تربیتی مربوط به آن نزد پیامبر (ص) و معصومین (ع) چه بوده و چه تحولاتی در مسیر شورای دوره خلفا ایجاد و آثار تربیتی آن چه بود؟

پژوهش‌های پیشین به زوایایی از بحث پرداخته‌اند و به دیدگاه نظری معصومان و

اقدامات شورایی صدر اسلام توجه کرده اند. اما یک پژوهش خاص که با بهره گیری از منابع تربیتی، تاریخی، روایی، تفسیر و غیره مسئله ارائه شده را پاسخ گوید، یک ضرورت است. بررسی منابع، این نتیجه را به دست می دهد که شورا در اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار بوده پیامبر(ص) در امور مرتبط با مردم، شامل زندگی فردی، امور نظامی، سیاسی، تربیتی، اخلاقی و غیره بر مبنای شورا عمل می کرد و برای این مشورت اهداف تربیتی خاصی همانند ارزش گذاری و شخصیت دادن به مسلمانان، ریشه کن کردن خود رأیی، آزمایش و تربیت یاران، تألیف و نزدیکی قلوب، پیشگیری از انحراف و پشیمانی را مد نظر داشت. پس از پیامبر (ص) شورا دچار تحول و تغییر شد، به طوری که بر خلاف دستورالعمل، ترسیمی رسول خدا (ص) امور الهی و دینی توسط شورا توجیه و تغییر و تبدیل می یافت، انحرافات اخلاقی و تربیتی با تفسیر مشاوران موجه جلوه می کرد، شورا در کنار قرآن برای مشروعیت بخشیدن به امور قرار گرفت.

جایگاه و نقش تربیتی شورا و مشورت در قرآن

برای درک جایگاه شورا و آثار تربیتی آن، بررسی شورا در قرآن و تاریخ صدر اسلام و زندگی معصومین یک ضرورت است. قرآن به عنوان کلام الهی در جاهای مختلفی به امر مشورت و شورا توجه داشته و بر انجام آن تأکید کرده است. راهنمایان آسمانی را مشاوران و هدایتگران بشر در مسیر خداپرستی می شمارد، جلوه های گوناگونی از مشورت خانوادگی، اخلاقی، سیاسی، و نظامی در قرآن وجود دارد.

آیات قرآن « راجع به شورا چند دسته مختلف هستند، پاره ای از آیات به طور مستقیم به اصل شورا و انجام آن امر کرده اند، مانند ۳۸ سوره شوری، ۱۵۹ آل عمران و ۲۳۳ بقره. آیاتی نیز به طور غیرمستقیم به مشورت توجه داشته اند. همانند ۳۲ نمل، ۶۲ طه، ۲۰ قصص، ۱۸ زمر و ... آنچه از مفاد آیات قرآن فهمیده می شود این است که مسلمانان باید به جای تصمیم گیری فردی بر مشورت تأکید داشته باشند تا از منافع عظیم آن برخوردار شوند.

خداوند در آیات قرآن مشورت مردم مدینه در امور مختلف را مورد ستایش و تأیید قرار داده است. (الزمخشری، ۱۴۰۶: ۴۰۷/۳) در اشاره به رابطه پدر و مادر با فرزند، مشورت را تحکیم می بخشد، آنجا که می فرماید « فان ارادا فصلاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما ... » (بقره / ۲۳۳) هرگاه پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشورت یکدیگر، فرزندشان را از شیر بگیرند، گناهی بر آن ها نیست. در این آیه عمل به ظاهر کوچک از شیر گرفتن طفل را قرآن بر مبنای مشورت قرار داده است و نباید بدون رضایت زوجین باشد. (صنعانی، بی تا: ۵۸۷/۷) آیه توجه مبدأ وحی بر ریزترین امور جهت تحکیم خانواده و سنت شورا را شامل می شود.

امور مختلف مشورتی مورد توجه قرآن بوده است، مطابق گزارش قرآن و منابع تاریخی

ادیان الهی نیز به شورا و مشورت توجه داشته‌اند، حضرت ابراهیم (ع) برای ساختن کعبه با فرزندش مشورت کرد. (ارزقی، ۱۴۰۳: ۵۹) آن حضرت راجع به قربانی کردن فرزندش با این عبارت مشورت نمود « فان نظر ماذا تری » بنگر (ای اسماعیل) نظر و رأی تو چیست؟ (یعقوبی، بی تا: ۲۸/۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۱/۱۵) قربانی کردن فرزند به امر خداوند بود اما مشورت نیز بر همین مبنا جهت قرار دادن سنتی حسنه بین مردم مهم است.

حضرت داوود (ع) با قوم بنی‌اسرائیل مشورت می‌کرد و هر بار آن‌ها را به مشاوره راهنمایی می‌نمود، (طبری، بی تا: ۴۸۵/۱) آن حضرت با فرزندش سلیمان راجع به خسارت مزرعه در اثر چرای گوسفندان مشورت کرده است. (العروسی الحویزی، ۱۴۱۲: ۴۴۳/۳) مطابق گزارش قرآن بلقیس ملکه سبا برای پاسخ به نامه‌ی حضرت سلیمان (ع) با حامیان و پیروانش وارد مشورت و رایزنی شد. « قالت یا ایها الملؤ اینی کتاب کریم * انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تلعلوا علی و اتونی مسلمین * قالت یا ایها الملؤ افتونی فی امری ما کنت قاطعه امرأ حتی تشهدون. (نمل / ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۳۲) ملکه سبا گفت: ای اشراف، نامه‌ی پر ارزشی به سویی افکنده شده! این نامه از سلیمان است و چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان، توصیه من این است که نسبت به من برتری جوئی نکنید و به سوی من آئید در حالی که تسلیم (حق) هستید (سپس) گفت: « ای اشراف نظر مشورتی خود را در این امر مهم به من بازگو کنید که من تاکنون در هیچ کار مهمی بدون حضور (مشورت) شما تصمیم نگرفته‌ام (طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۰/۷؛ طبری، ۱۴۱۵: ۱۸۷/۱۹) ملکه سبا سیصد مشاور داشت که با آنها مشورت می‌کرد.

در بیان قرآن مشورت به عنوان یک اصل تلقی و در ضرورت آن همین بس که حتی رسول خدا (ص) بزرگترین راهنمای بشر و متصل به مبدأ وحی با وجود علم و عصمت مأمور به مشورت بود به طوری که آیه « و امرهم شوری بینهم » (شوری ۳۸) را در شرایط خفقان مکه و آیه « شاورهم فی الامر » (آل عمران/ ۵۹) را در دوران تشکیل حکومت مدینه به آخرین سفیر وحی ابلاغ کرده است.

در تفسیر آیه ۱۵۹ آل عمران گفته شده است، چون حضرت رسول (ص) پیش از جنگ احد با مسلمانان مشورت نمود و مطابق نظر مشورتی آنان عمل کرد، نتیجه حاصله از نبرد شکست ظاهری مسلمانان بود. (ابن هشام، ۱۳۵۵: ۸۴/۳) این احساس ایجاد شد که نباید در مقابل رسول خدا مردم نظر مشورتی بدهند، آیه قرآن نازل شد و ضمن ستودن مشورت قبلی، بر مشورت همیشگی نیز تاکید کرد. خداوند نسبت به تربیت مسلمانان و مشارکت آنان در سرنوشت توجه داشته و شکست ظاهری در جنگ نسبت به آن اهمیت چندانی نداشته، لذا برای اینکه شک و دودلی را از ذهن و دل مسلمانان بزداید بر مشورت مجدد تاکید و در انتهای آیه نیز با عبارت « فاذا عزم فتوکل علی الله ... » (آل عمران / ۱۵۹) مسیر مشورت را روشن کرده است، یعنی توکل

بر خدا از سوی رسول پس از مشورت با مسلمانان موجب استحکام تصمیم خواهد شد. آیات متعدد راجع به مشورت بیانگر اهمیت و ارزش فوق العاده شوری و مشورت در اسلام و قرآن به عنوان اصلی انکار ناپذیر بوده، لیکن دارای چارچوب و مبانی خاصی است، مشورت شامل امور مردمی و مسائل اجتماعی و فردی می شود، اگر تاکید قرآن بیشتر در مشورت امور نظامی و جنگ بوده از امور تربیتی و اخلاقی آن نیز غفلت نکرده است.

جایگاه و نقش تربیتی مشورت و شورا در سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع)

پیامبر (ص) و اولیای الهی، علی رغم برخورداری از علم و عصمت، به امر خدا با یاران و نزدیکان خود مشورت می کردند تا بدین طریق مسلمانان را تربیت کرده و الگوی درست پاسخ به مشکلات را ارائه نمایند. معصومان (ع) به تاسی از امر خداوند در خصوص شورا و مشورت اقدامات قابل توجهی داشته و سخنان بسیاری بیان نموده اند. در این اقدامات و گفتار حدود و حوزه مشورت را به خوبی ترسیم کرده، موارد قابل شور و مشورت را روشن ساخته اند، که به منظور درک جایگاه و نقش تربیتی شورا ناگزیر از ذکر خلاصه ای از آن خواهیم بود. قال رسول الله (ص) « انه ما من رجل شاور احداً الا اهدى الی الرشده » (طبرسی، همان: ۵۷) احدی در کارهای خود مشورت نمی کند، مگر این که به راه درست و مطلوب هدایت شود.

پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) در کارهای شخصی با اصحاب مشورت می کردند و مطابق آن عمل می نمودند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۷۲) چه بسا آن حضرات در هیچ یک از امورات فردی با ابهام و چاره جویی مواجه نبوده اند. لیکن مبادرت به انجام مشورت و علنی کردن رایزنی می نمودند تا الگو و سرمشق پیروان قرار گیرد. پیامبر (ص) برای ازدواج با حضرت خدیجه به مشورت با عموی بزرگوارش ابوطالب پرداخت و نظر وی را در این مورد جویا شد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱/۱۳۱) وقتی علی بن ابی طالب (ع) از دختر گرامی اش فاطمه (س) خواستگاری می کرد، رسول خدا به مشورت پرداخت. (مجلسی، همان: ۹۳/۴۳) به طوری که امر خواستگاری علی (ع) را به اطلاع دختر رسانده و نظر ایشان را در این مورد جویا شد، و به ایشان نظر مشورتی نیز ارائه داد و فرمود: من از خدای خود خواسته ام که ترا به عقد بهترین مخلوق در آورد و اکنون او به خواستگاری تو آمده است و تو در این مورد چه نظری داری؟ سکوت فاطمه در معنای رضایت موجب شادی پیامبر (ص) شد و فرمود: سکوت دخترم نشانه رضایت اوست. (اربلی، ۱۴۰۵: ۵۰/۱) این عمل الگویی مناسب برای مسلمانان قرار گرفت. مشورت های رسول خدا (ص) در این امور چنان زیاد بود که از ابو هریره نقل شده است « هیچ کس را ندیدم که با اصحاب خویش بیشتر از رسول خدا (ص) مشورت نماید (سیوطی، بی تا: ۹۱/۱).

پیامبر (ص) چون تربیت مسلمانان بر مبنای مشورت را مدنظر داشت حتی در مورد پوشاک و خوراک نیز مشورت می کرد، با مشورت یاران جبهه ی هدیه شده ی قیصر را پوشید و پس از

ایراد خطبه آن را در آورده، به جعفر ابن ابی طالب هدیه کرد. (شامی، ۱۴۱۴: ۲۹۸/۷).

رسول خدا (ص) و معصومین برای تربیت سپاهیان و دخیل کردن آن‌ها در سرنوشت پیکار به امر خدا مشورت می‌کردند که آثار تربیتی فراوانی در این امر نهفته بود.

مشورت در مسائل نظامی و جنگ که بار اصلی آن بر دوش مردم و جنگجویان می‌باشد، و شنیدن نظرات پیکارگران سبب می‌شود تا آنان خویشتن را در سرنوشت پیکار سهیم دانسته و با دل و جان مشارکت نمایند و هرگونه عواقب آن را تحمل کنند.

این موضوع به قدری اهمیت دارد که مفسرین شأن نزول آیه ۱۵۹ آل عمران را در مشورت نسبت به جنگ می‌دانند. (ابن کثیر، ۱۴۰۶: ۴۲۹/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۶۹/۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۵۰/۵) رسول خدا (ص) که مطابق امر الهی به مشورت با اصحاب می‌پرداخت، یکی از اصول مسلم سیره‌ی مشورتی ایشان مشورت در امور جنگ بود پس از آنکه کفار قریش تمام ثروت مسلمانان مهاجر را که در مکه بر جا گذاشته بودند، مصادره کردند در این سال به پیامبر (ص) خبر دادند که کاروان تجاری قریش به سرپرستی ابوسفیان از شام در مسیر چاه‌های بدر به سوی مکه خواهد رفت. رسول خدا برای مواجهه (و تربیت رزمندگان) با این مسایل به مشورت و رایزنی با یاران خویش پرداخت. (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۸/۸) افرادی همانند ابوبکر و عمر برخاسته و گفتند؛ به دلیل امکانات محدود با آنان به جنگ و ستیز نپردازیم و به مدینه برگردیم. قریش از زمانیکه عزیز شده است، دلیل نشده و تسلیم نخواهد شد، بلکه با قوت تمام خواهند جنگید. پس از نظر مشورتی آن دو، مقدار بلند شده و در بیانی حماسی، ضمن اعلام وفاداری کامل سپاه، پیامبر را به جنگ تحریض کرد و عرض نمود یا رسول خدا ما همانند قوم بنی اسرائیل نیستیم، که به پیامبر خود حضرت موسی گفتند: «تو و خدایت بروید و خودتان جنگ کنید و ما اینجا می‌مانیم» بلکه آنچه خدا به تو دستور داده را جاری ساز و ما با تو خواهیم جنگید. (الواقدی، ۱۴۰۷: ۴۸/۱) گزارش فوق و سایر اخبار موجود از زندگی معصومان (ع) بیانگر مشورت‌های فراوان آنان در امور نظامی و جنگ است، رسول خدا (ص) در هیچ یک از غزوات و سریه‌ها بدون مشورت با رزمندگان اقدام نمود و تاریخ گواه آن است. مشورت در امور جنگی آثار تربیتی فراوانی به همراه دارد سبب ارزش‌گذاری به زحمات، همراهی و جدیت سپاهیان، تربیت اهل نظر و کارشناس نظامی و از همه مهمتر ارائه الگوی مناسب برای آیندگان خواهد بود.

یکی از مصادیق مشورت معصومان امور اقتصادی و مسائل مرتبط با معیشت خود مردم و جامعه بوده است، برای نمونه به مواردی از این گونه مشورت‌ها اشاره می‌شود تا مجاز بودن شورا در امور اقتصادی و معیشتی محرز گردد؛ فردی از اعراب بادیه نزد رسول خدا رسید و عرض کرد: «شترهایی را برای فروش آورده‌ام، ولی قیمت بازار را نمی‌دانم و می‌ترسم فریب بخورم دوست دارم با من به بازار تشریف بیاوری تا با نظر و مشورت شما شترهایم را بفروشم» پیامبر

(ص) فرمود: « آن شترها را نزد من بیاور و یکی یکی به من نشان بده تا قیمت گذاری کنم» « آن مرد چنین کرد و آن ها را با این مشورت به قیمت خوب به فروش رساند و از پیامبر (ص) تشکر نمود. (واعظ خرگوشی، ۱۳۶۱: ۵۷۵) این اقدام رسول خدا اثر تربیتی و سازنده و مسائل اقتصادی و الگوی اخلاقی پیروان قرار گرفت.

پیامبر (ص) با تأسی از قرآن در امور سیاسی و حکومتی از خود رأیی نفرت داشت که فرموده است کسی که بخواهد جمعیت را با استبداد متفرق سازد و امر امت (حکومت) را غضب کند بدون نظر و مشورت آنها، سرپرستی و ولایت کند باید کشته شود و خدا اجازه این امر را داده است. (صدوق، ۱۴۰۴: ۶۲/۲) در این سخن مراد اداره امور جامعه است و الا انتخاب حاکم اسلامی به امر خدا و خارج از محدوده مشورت و شورا است.

پیامبر (ص) وقتی می خواست فرماندار یا استانداری به منطقه ای بفرستد با مردم مشورت می کرد، جمله ای که فرمود: اگر می خواستم کسی را بدون مشورت مردم جانشین (فرمانروا یا حاکمی) قرار دهم این مسعود را قرار می دادم. (ابن حنبل، ۱۴۱۸: ۷۶/۱-۹۵) بیانگر همین موضوع است که مشورت در تعیین استانداران و اداره جامعه مجاز و شایسته است. رسول خدا (ص) وقتی می خواست معاذ بن جبل را مأمور یمن کند، پیش از آن نظر مشورتی اصحاب را جویا شد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۵۳/۲)

چون حفظ اسلام و رعایت مصلحت مسلمین بر معصومین لازم بود لذا جهت پیشگیری از انحراف حاکمان و جامعه از مسیر حق پیوسته با ارائه نظر مشورتی به هدایت و راهنمایی مسلمین می پرداختند. مردی شراب خوار را نزد ابوبکر آورده بودند، خلیفه از تصمیم گیری عاجز بود به یاران و اصحاب مراجعه نمود و بهترین نظر مشورتی را از علی (ع) شنید که فرموده بود، مرد را نزد مهاجر و انصار برده و بپرسند که آیا تاکنون بر این مرد آیه تحریم شراب را تلاوت کرده اند یا خیر؟ در صورت اول حد اجراء در غیر اینصورت با توبه آزاد شود، ابوبکر این نظر را پذیرفت و اجرا نمود و در نتیجه آن مرد با توبه آزاد شد (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۶/۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۱) معصومان (ع) برای حفظ کیان اسلام و جاری شدن احکام الهی پیوسته با راهنمایی و طرف مشورت قرار گرفتن اقدامات شایسته ای را انجام می دادند، و حوزه احکام دینی از این جهت خاص قابل شور و مشورت بود، اما اصل و نص احکام جزء امور الهی بوده و معصومان به هیچ وجه اجازه مشورت و تغییر و تبدیل در اصل و نص را نداده اند، امری که در دوره خلفای اموی توسط مشاوران درباری دچار تحول بارز گردید.

دلایل تربیتی مشورت پیامبر (ص) و سایر معصومین

رسول خدا(ص) و جانشینان وی با مشورت کردن دو نکته کلی را تعقیب می نمودند
۱- اهمیت مشورت و شورا را به مسلمانان یاد آوری کنند و این روحیه را در عرصه های

مختلف جامعه اسلامی ایجاد و توسعه بخشند.

۲- مشورت کردن را به مسلمانان آموخته تا از اثرات درخشان آن بهره مند شوند به عبارت دیگر سنت حسنه مشورت به خوبی استمرار یابد.

معصومین(ع) به دلیل برخورداری از علم و عصمت نیازی به مشورت نداشتند، شیخ مفید می گوید: رایزنی پیامبر (ص) با اصحاب جهت نیاز وی به آراء آن ها و حاجتش نسبت به مشورت نبوده بلکه مشورت آن حضرت به جهت امر دیگری بوده است (مفید، ۱۴۱۲: ۳۱/۲) دلیل مشورت اولیای الهی از این قرارند:

الف) شورا برای آموزش و تربیت مسلمانان؛ در بسیاری از مواقع مشورت برای تربیت علمی و اخلاقی طرف مشورت بوده است، جلسه مشورت بسان کلاس درس و کارگاه انسان سازی بوده، در جلسه ای که پیامبر (ص) یا امام معصوم با عده ای از پیروان نشسته و راجع به موضوعی همفکری و مشورت می کنند. بهترین خروجی آن آگاهی حاضران از نظر معصوم و یادگیری کمالات انسانی و اخلاق حسنه خواهد بود.

جلسه شورا موجبات رشد فکری را فراهم می کند، مشورت برای نیاز پیامبر(ص) و شنیدن آراء و نظرات دیگران نیست، بلکه برای این است که در مشورت هریک از افراد امت برای رأی اصلح بکوشند، افکار و ارواح برای دسترسی به آن رأی اصلح تطابق و توافق یابد و این تطابق ارواح بر شی واحد است که حصولش ترغیب شده است. (فخر رازی، ۱۳۵۷: ۶۶/۹)

ب) مشورت برای الگو دهی به مسلمانان و پایه گذاری سنت حسنه در جامعه اسلامی بوده است. معصومین به مشورت می پرداختند یا در جلسات شورا شرکت می کردند تا از این طریق درسی به یاران خویش آموخته باشند، دریابند مشورت از امور شایسته و ضروری است، پیامزوند حال که پیامبر(ص) و امام معصوم (درحال بی نیازی) به مشورت و مشاوره می نشینند پس بر آنان رایزنی و مشورت امری واجب و ضروری خواهد بود. (نائینی، ۱۳۸۲: ۸۴) خدا می داند پیامبر محتاج نظرات و آراء دیگران نیست، (با وحی آیات شورا و امر به مشورت) می خواست سنتی برای امت های بعد قرار دهد. یک دلیل مشورت پیامبر(ص) حفظ و تداوم سنت حسنه اقوام و احترام و استمالت آن ها بوده است. روحیه قوم عرب به گونه ای بود که اگر کسی کاری بدون مشورت آنان انجام می داد، این کار بر سران عرب سنگین و دشوار می آمد، از این جهت پیامبر (ص) مأمور به مشورت با آنان گردید. (زمخشری، ۱۴۰۶: ۳۳۲/۱۰)

ج- ارزش و شخصیت دادن به پیروان؛ مشورت سبب می شود تا یاران احساس ارزش و جایگاه نمایند و اینکه در جامعه و نزد اولیاء الهی شخصیت و اعتبار بالایی دارند، نظرات و پیشنهادهای آنان ارزش داشته و به وسیله عالی ترین مرجع دینی شنیده می شود. خداوند امر به شورا نموده برای ارزش بخشیدن و قدرشناسی از امت و اکرام صحابه، در تفسیر شهر آشوب به

نقل از حسن و ضحاک (مفسرین) آمده است پیامبر (ص) برای تکریم و منزلت بخشیدن پیروان و اصحاب مشورت می کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ۷/۲)

د) مشورت و همفکری عملی ارزشمند و قرین ثواب و خیر شمرده شود. عده ای از مفسرین معتقدند، خداوند پیامبر را به خاطر بر خوررداری از فضیلت و ثواب موجود در مشورت امر به آن کرد. (طبری، ۱۳۹۲: ۱۰۰/۴) به هر تقدیر معصومین علاوه بر خیر بودن مشورت در صدد تربیت یاران و پیروان نیز بوده اند، با مشورت و تاکید بر ثواب و خیر بودن آن، آنان را به مشورت ترغیب می کردند.

ر- مشورت اولیاء الهی برای نزدیکی با مردم و جنبه تألیف قلوب داشته است. قرآن در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به آن اشاره کرده است. مشورت معصومین که به امر خداوند بود زمینه ای فراهم می ساخت تا پیروان ضمن دخیل دانستن خود در تصمیم گیری ها، احساس نزدیکی کرده ، دستورات و احکام صادره تحکیم یافته و صدور آن ها با قبول و تأیید مردمی همراه می شد. پیامبر (ص) به امر خداوند با یاران خویش مشورت می کرد تا از این طریق با ایجاد الفت بین یاران و پیروان درس عملی راجع به مشاوره و رایزنی برای اصحاب خود و آیندگان ارائه دهد. (الطبرسی، ۱۴۱۵: ۸۶۹/۲)

ز- مشورت معصومین مایه ی رحمت برای امت است. وقتی معصومین در جلسات شورا و مشورت طرف مشورت قرار گیرند، خود این عمل برکت و رحمتی در بر خواهد داشت، زمینه بر خوررداری آنان از لطف و عنایت الهی بواسطه اولیاء الهی فراهم می گردید.

ابن عباس روایت کرده است که هنگام نزول آیه شریفه « و شاورهم فی الامر» پیامبر اکرم (ص) فرمود: به تحقیق خداوند و رسول از مشورت (برای کسب علم و رفع اشتباه) بی نیاز هستند، لیکن خداوند به جهت رحمت نسبت به امت، مشورت را قرار داد پس هر کس از امت من مشورت کند از کمالی باز نمی ماند و هرکس آن را ترک کند از گمراهی جدا نمی شود.

س- مشورت موجب آزمایش انسان های حاضر در شورا می شود. معصومین با مشورت درصدد آن بودند که طی مشورت افراد ناصح و مغرض نمایان گردند، درون و باطن افراد برای همه آشکار شود، میزان دوستی ها و عداوت نمایان گردد. وجه مشورت رسول خدا (ص) امتحان است و برای تشخیص افراد ناصح و غیر ناصح. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳) علی (ع) می فرماید: «با مخالفین مشورت کن تا از آراء آن ها به میزان عداوت و دشمنی آن ها پی ببری و از مقاصد آن ها مطلع شوی (الآمدی، ۱۴۰۷: ۲۳۲/۲)

دلایل دیگری همانند، ریشه کن کردن شائبه استبداد، تجلیل از افراد صاحب نظر، پذیرش بهتر تصمیمات، همگانی شدن مسئولیت و غیره در دیدگاه تربیتی معصومین قابل بیان است.

تحول مسیر شورا و مشورت در دوره خلفا و تأثیر تربیتی این بدعت‌ها

شورایی شدن مسئله خلافت و انتخاب جانشین پیامبر (ص) اولین تحول و تغییر در مسیر شورا بود، همانگونه که اشاره شد، خداوند در قرآن کریم اجازه مشورت در امر انتخاب خلیفه را نداده است و رسول گرامی اسلام به امر الهی جانشین منصوب الهی را معرفی کرد. اما شاهد هستیم که مقارن وفات رسول خدا (ص) صحابه این امر مهم را نادیده گرفته، مسیر دیگری را جهت انتخاب خلیفه خلق کردند و آن شورایی شدن این امر بود.

خلافت ابوبکر در شورای سقیفه و توسط بیعت پنج نفر منعقد شد. (ماوردی، ۱۳۶۴: ۶) این اقدام شورای سقیفه اولین تغییر و تحول در مسیر شورایی اسلام است، در حوزه ای وارد شد که قرآن و معصومان اجازه شورا و مشورت در آن حوزه را نداده و انتخاب امام و جانشین رسول خدا(ص) را امری الهی اعلام کرده اند.

خلفای اموی به تاسی از خلفای راشدین برای اهداف خاص خود مشاورانی را به خدمت گماشته بودند و در امور مهم از آن‌ها کمک و نظر مشورتی می‌گرفتند. معاویه بن ابی سفیان خلیفه نخست اموی مشاورانی داشت و هرگاه می‌خواست کار مهمی انجام دهد آنها را از جمله حبیب بن سلمه فهری را به رایزنی فرا می‌خواند (ثقفی، بی تا: ۴۰۲) وی برای تصاحب قدرت و تسلط بر دیگران از افکار و آراء مشورتی زیرکان عرب همانند: عمروعاص، مغیره بن شعبه و زیاد بن ابیه و ... بهره می‌برد. اولین تحول شورا در دوره اموی، در زمان معاویه شروع شد و آن کنار نهادن شیوه شورا در مسیر انتخاب خلیفه بود، وی از طریق جنگ با خلیفه شرعی و قانونی و با غلبه و زور قدرت خلافت را بدست گرفت و باید سال خلافت وی را سال غلبه فرد قدرتمند بر شورا و جماعت نامید. معاویه نظام شورایی صدر اسلام را به تدریج کنار گذاشت و هنگام توجیه کارها که مطابق میل او انجام می‌گرفت، می‌گفت: عمل و کوشش هیچ سودی ندارد مشورت و کسب نظر بی فایده است چون همه کارها بدست خداست. (الکاند هلوی، ۱۹۶۸: ۵۲۹/۳) اثر تربیتی این اقدام تحکیم نظریه جبر در جامعه بود.

وقتی به معاویه اعتراض شد که ابوبکر و عمر مشورت می‌کردند و عثمان با شورا انتخاب شد، پاسخ می‌داد: « این خلافت امری از امور خداوند و قضایی از قضای الهی است. » (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۸۵) اولین تحولی که در مسیر شورا و مشورت برای تحکیم قدرت فرد جهت یافت، ناشی از عمل معاویه بود و آنگاه در دوره خلفای اموی به دلیل تأثیر شورا در کاهش قدرت خلفای مستبد و در عرض قدرت آنان قرار گرفتن به کلی طرد شد، به طوری که خلفا با توجیه قضای الهی توسط مشاوران درباری، شورا و مشورت را بی فایده قلمداد کردند.

معاویه با انتصاب فرزندش یزید در خلافت مسیر شورایی خلافت را به کلی منسوخ ساخت و الگویی برای سایر خلفا شد، وی وراثت را جانشین شورا کرد. این عمل را نیز با همراهی

مشاورانی همانند مغیره بن شعبه عملی ساخت به طوری که وی مأمور آماده کردن کوفه برای این اقدام شد. (طبری، بی تا: ۲۲۴/۴)

تحول بعدی شورا و مشورت این بود که مشاورانی درباری استخدام می شدند تا با توجیه احکام الهی و تسهیل امور، خلیفه را در لذت بردن از دنیا و ارتکاب گناه جدی تر سازند. نزد یزید بن عبدالملک چهل پیرمرد در قالب مشاور آمدند و شهادت دادند که برای خلفا حساب و کتاب و عذابی وجود ندارد. (السیوطی، ۱۳۷۱: ۲۴۶) این امر خلیفه متکبر را که اهل لهو و لعب بود، گستاخ تر کرد. (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۷۷).

عامل اصلی فساد خلیفه یزید بن عبدالملک را مشاوره و حشر و نشر وی با زنان دانسته اند، پس مشورت با زنان یکی از تحولات شورایی دوره اموی محسوب می گردد. نفوذی که این مشاوران و معشوقه ها داشتند، خلیفه را وادار به انجام اعمالی بر خلاف رضایت عمومی می نمودند. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۷۳).

مشاوره در این دوره شغل و پیشه عده ای از افراد دنیا دوست و پر طمع شد به طوری که برای جلب قلوب و نظر خلفا نظر می دادند و خوش آمد آنان را جلب می کردند تا منافع بیشتری نیز نصیب خودشان شود. برای مثال چون ولید بن یزید اهل فساد و تفریح بود، مشاورانش نیز با توجیه فساد وی رضایت خلیفه را جلب می کردند، چون این خلیفه به زندقه و مانی تمایل داشت، مشاوران وی نیز همین شیوه را توجیه می کردند. (القاسمی، ۱۳۳۱: ۱۷)

انحراف دیگر در مسیر شورا و مشورت این بود که، مشاوران توجیه گران خلفا شده، قرآن و احکام دین را در مجالس طرب و شادی با تغییر و تبدیل به تمسخر می گرفتند. عده ای نزد خلیفه یزید بن عبدالملک، برائت خلفا از عذاب اخروی را تفسیر کردند. (السیوطی، ۱۳۷۱: ۲۶۴)

این مشاوران نوعی قدسیت برای خلیفه ساخته، عقیده جبر را نیز تحکیم می بخشیدند. تحول در مسیر شورا و مشورت تا آنجا پیش رفت که امری درباری و خصوصی شد و خلافت شورایی و دخالت مردم در امور را به کلی ترک و مردم نیز با تکیه بر قدرت قبیله ای خود، مزاحم خلفا شده و قدرت واقعی را تحت الشعاع قرار می دادند. حتی بعضی خلفا از سخن گفتن رعیت نزد خود نهی می کردند، حال آنکه پیش از آن رعایا جرأت بر خلفا داشتند (ابن طقطقی، ۱۴۱۴:

نتیجه گیری

شورا در اسلام از جایگاه بالایی برخوردار است به طوری که سوره ای به نام شوری بوده و آیات متعددی بر مشورت تاکید کرده اند، پیامبر (ص) برای اهداف تربیتی خاص پیوسته با یارانش مشورت می کرد، مشورت آن حضرت در امور مردمی بوده و امور خانوادگی، نظامی، اقتصادی، علمی و ... را شامل می شد و در اقتباس از آن حضرت سایر معصومین نیز در امور مرتبط با مردم مشورت داشتند، تا با ایجاد سنت حسنه و آموزش یاران، شخصیت افراد را شکوفا ساخته، موجبات رحمت، خیر و ثواب را فراهم نمایند.

پس از رسول خدا (ص) اولین تحول شورا در واقعه بنی ساعده رخ داد که امر جانشینی پیامبر (ص) و انتخاب خلیفه شورایی شد، هرچند ابوبکر با انتخاب عمر استخلاف را جایگزین شورا کرد اما با شورای شش نفره عمر دوباره این تحول در موضوع شورا امتداد یافت. در دوره خلافت اموی تحول مسأله شورا وسیعتر بود به طوری که در آغاز خلافت اموی، شورا به فراموشی سپرده شد و زور و غلبه جای شورا را در امر تصدی خلافت گرفت. اغلب خلفای اموی مشاورانی را استخدام و آنچه می خواستند با توجیه آنان جنبه قانونی و به اصطلاح شرعی می یافت. تحول دیگر آن بود که مشورت اغلب مربوط به مسائل دنیوی، لهو لعب و غلبه بر رقبا بود. که اسباب انحراف اخلاقی حاکمان و جامعه را فراهم ساخت، مشاوران افکار خلفا را می ساختند، عمر بن عبدالعزیز که با افراد دیندار مشورت می کرد حقوق مردم و اصول اخلاقی را تا حدود زیادی مراعات می کرد اما خلفایی مانند ولید بن یزید که مشاوران فاسد داشتند، غرق فساد شده حتی قرآن را به تمسخر می گرفتند، این عمل افراد جامعه را نیز در انجام اعمال ضد اخلاقی و تربیتی گستاخ می ساخت.

خلفا، مشورت را عامل کاهش قدرت خود دیده لذا به جز مشاوران درباری و استخدام شده به عموم مردم و علما در مشورت توجه ای نداشتند. مشورت با زنان که اغلب زنان دربار و معشوقه ها بودند تحول دیگر این دوره و اسباب انحراف بود. در این دوره احکام و قوانین الهی بر خلاف توصیه رسول خدا (ص) نیز مورد مشورت و تغییر و تبدیل توسط مشاوران قرار می گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن حمید، الاصابه فی تمیز الصحابه، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق
- ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۸ ق
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق لجنة من اساتذة النجف، مطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ق
-، متشابهات القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۲۸ ق
- ابن طقطقی، محمد بن علی، الفخری فی ادب السلطانیه و الدول الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق
- ابن منظور، جمال الدین مکرّم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه ۱۳۶۳ ق
- ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، مصر، مطبعة المصطفی البابی الحلی و اولاده بمصر، ۱۳۵۵
- اربلی، ابوالفتح علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق
- ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، تحقیق رشدی صالح، بیروت، دار اندلس، ۱۴۰۳ ق
- الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دور الکلم، تحقیق و تصحیح حسین اعلمی، بیروت، موسسه العلمی، ۱۴۰۷ ق
- ثقفی کوفی اصفهانی، ابوالقاسم ابراهیم بن محمد، الغارات تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، (بی تا)
- الزمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق
- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، مصر ۱۳۷۱ ق
-الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفه، (بی تا)
- شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل عبد الموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق
- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق
- صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، مجلس العلمی، (بی تا)
- طبرسی، ابوعلی افضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تحقیق گروهی، بیروت، موسسه العلمی، ۱۴۱۵ ق
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق
- تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث (بی تا)
- تفسیر طبری، بیروت دارالمعرفه ۱۳۹۲ ق
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، طهران، المكتبة المرتضوی، ۱۳۸۷ ق

- العروسی الحویزی، عبد علی الجمعه، تفسیر نور الثقلین، تعلیقیه: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق
- القاسمی، جمال الدین، تاریخ الجهمیه، و المعتزله، قاهره، ۱۳۳۱ ق
- فخر رازی، امام فخر، تفسیر، مطبعه البهیه المصریه، ۱۳۵۷ ق
- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق
- الکاند هلوی، حیاة الصحابه، بیروت، دارالعلم، ۱۹۶۸ م
- ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیة وولایات الدینیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۴ ش
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
- کلینی رازی، ابومحمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
- مسعودی، علی بن الحسین، التبیه و الاشراف، ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگ، ۱۳۶۵ ش
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، موتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق
- نائینی، محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیه لملئه، تصحیح و تحقیق سید جواد ورعی، قم، موسس بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش
- واعظ خرگوشی، ابوسعید، شرف النبی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران، بابک، ۱۳۶۱ ش
- الواقدی، محمد بن عمر، المغازی، مصر دارالمعارف، ۱۴۰۷ ق
- یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ، بیروت، دارصادر، (بی تا)